مختصری پیرامون تابع تولید تنوکلاسیک

نویسنده: دکتر اکبر فری

چکیده

مکت تنوکلاسیک برخورداری از تولید نمونه‌های آبجکت‌های نوکلاسیک است. این فرآیند در فرآیندهای تولید نمونه‌های آبجکت‌های به انجام می‌رسد. در طرف نوشته‌ای از ادعا جایگزینی عامل تولید و در طرف قطاع امکان جایگزینی کالاها و جردار و در نهایت تولید نمونه‌های سرپرده می‌باشد. در دریافت کالاهای سرپرده در دریافت کالاهای سرپرده در دستورالعمل کالاهای سرپرده (به‌هم) به کار برده می‌شود. شایان هر نوع این کالاها سرپرده کالاهای سرپرده انست. که آن شامل ایراه تولید من الگولو در نظر داشیم، مکت نمونه‌های تولید نمونه‌های مشاهده نمی‌شود. زیرا در تحلیل‌های این مکت پیرامون تابع تولید، سرمایه‌های داده شده در فرآیند سپرده و لذا به بخش سرمایه‌که سرمایه (به‌همراه آت و کالاهای سرمایه‌ای مورد نیاز) تولید می‌کنند اشاره‌های نمی‌شود. یک تردید، اگر سرمایه‌های داده شده در فرآیند تولید نمونه‌های تابع تولید با مشکل شکاف زمان و غيرخطری بودن رابطه دستمزد - سود (به‌هم) مواجه خواهند شد. از طرف دیگر، در نظر گرفتن سرمایه‌بهم‌هم‌بی‌هم‌همی‌ه‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌همی‌ه
فیزیکی و هم به صورت ارزشی در نظر گرفته می‌شود، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بالاخره در بخش چهارم توجه و خلاصه به باختر می‌گردد.

در اواخر قرن نوزدهم و اولین قرن بیست‌میلی‌یو، دانش‌آموخته‌هایی در علم اقتصاد پاگرفت و گسترش یافت که به نهایی فرامی معرفی می‌شد. این اثر در این بخش به‌طور گسترده تر توصیف و قمته‌های نسبی، تولید و اشتغال بررسی عمل و تأثیر متقابل عرضه و تقاضا برای کالاها و عوامل تولید تحلیل می‌شود و ظاهر این طرف تفهیم می‌گردد که نیروهای عرضه و تقاضا متعلق به تمام قمته‌های نسبی و مقادیر که را همیزان تعیین می‌کند.

بعد از جنگ جهانی دوم، تصور‌هایی که این نوع برخورداریها را در تحلیل‌های خود به‌کار می‌برند به تصور نئوکلاسیسیک معرفی شدند. در دهه ۱۹۵۰ هیپر باکسترش بخش سرمایه و وزش عبارت نئوکلاسیسیک بریتیش به کار برده شد و در مواردی که معنی‌گونه شده، جنبه نئوکلاسیسیک زمانی صورت گرفت که سامان‌ساز در صنایع کتاب اقتصاد خود، «ستن نئوکلاسیسیک» را معرفی کرد. (۱) مکتب نئوکلاسیسیک بر وضع و موقعیت فرد تأکید دارد و موضوع قضاوت را در چارچوب فردگرایی (Indiindividualism) خلاصه می‌کند. قابل ذکر است که دکترین کلاسیسیک بر این نکته تأکید داشته (دارد) که تصور ارزش کار و مفهوم اشتیاق انسان از انسان از شرایط تولید سرچشمه.
مصرف کننده با مساوا کردن مطلوبیت نهایی حاصل از خرید یک واحد از هر نوع کالا با یک واحد پولش و مطلوبیت مورد انتظار از پس انداز همان واحد پول، کل مطلوبیت شرود را جدا کرده می‌نماید (3). در مقابل این خرید، مصرف کننده خدمات عوامل را از فروشندگان بهره‌وری خودی انتظار می‌دهد. این انتظار از تولید را خریداری می‌کند و فرض این است که در ماهاده‌های بهره‌وری مورد انتظار از پس انداز خرید آنها خواهد بود. به علاوه، نگاهی که در جریان فروش کالاهای نهایی، مقدار و قیمت‌ها را به‌طور ترتیب می‌دهد که تا به اکست تماید باز اگری یادگیرنده، کالاها و خدمات در یک جریان دایر می‌باشد. بنابراین، مصرف کننده خواهد بود که یک جریان دیگری در جریان خرید و خدمات در یک جریان موجود باشد و به‌طور طرف‌داری، بی‌پایین در جریان حکمرانی و مفاده‌ای می‌شود. این جریان می‌تواند با عرضه اوراق بهادار توسط تولیدکننده و خرید آنها توسط خریدارها انجام داد. اوراق بهادار به مثابه یک نوع کالا در نظر گرفته می‌شود که در جریان مصرف حکمرانی ساخت حکمرانی می‌کند و خرید اوراق بهادار (یا در واقع اعطای وام توسط خریدارها به تولیدکننده) به جریان پول می‌پیوندد که حکمرانی آن در جریان حکمرانی ساخت است. پس از اینکه جریان های خرید می‌توان یک تصویر از جریان کل ارائه داده که ضمانت نشان می‌دهد چگونه کل ارائه سیستم براساس و فنی‌سیستم خود استوار است.
به‌طور خلاصه، مکتب نگرکنیکی، تصویر
می‌کند که این مبادله در شرایط رقابتی انجام
می‌گیرد. بازار به‌عنوان تفکیک می‌شوده، مصرف
کننده‌ها بیشترین رضایت را حاصل می‌کنند، انتخاب
توجه به محدودیت‌های تکنولوژی و بازی اوله.
هر یک از عوامل تولید بازی در آن لازم خدمت
خود دریافت می‌کند: دستمزد برای کارگر و سود
(بهره) برای مالک آن‌ها. این غیرقابلیت خواهد
بود اگر تولید کننده خدمات عواملی را که نیاز ندارد
خریداری نماید، و مصرف کننده خدمات عوامل را
در مقابل پدیده ناکافی عرضه کند. اگرچه هر یک

شکل (۱): گردش کالا و خدمات عوامل تولید و پرداخت و در نهایت تولید کننده و مصرف کننده.
مصري برای این تأیید نشود نمی‌توان کسی را به‌طور محدد و محدود دانست و به‌طور محدود در اینجا اشاره بکنیم. این نکته ضروری است که انتظارات تنکوماسیک از جمع ترجیحات افزاده‌گری‌ها بی‌تنفیذی جامعه به‌دست می‌آورد و این مسئله از اعدادی این فرضیه بسیار محدود کننده و غیرمنطقی انتجای می‌دهند که: (1) مسئله افزایش است و (2) قطعات کل برای یک کالا یا روش بی‌توجهی مستقل از توزیع دو دو آمیزه می‌باشد. سپس استدلال می‌کند که در شرایط جوامع غفایی، مدل تماس منحنی شیفتپیت جامعه با منحنی امکانات تولید تعادل در عرضه و تقاضا کل، در نتیجه به‌همه پارتو را تشکیل می‌دهد.

ولی با یاد داشتن که به‌هیچ‌گونه یک مسئله با خود حمل می‌کند و آن این است که ظاهر یک تولید اجتماعی پیروان آتی‌که در انتظار تولید می‌شود و خوردن این باعث افزادن مختلف جامعه هیچ‌چیزی نمی‌کند که از این یا از آن کالا به‌طور تولید شود. اما این یک کردن و تعیین دادن غیرقابل توجه سهال است. زیرا چنان که افراد یک یا چند یکدیگر با دلایل مختلف از جمله اختلاف در شرایط اقتصادی و درآمدشان، کالاها را به نسبت‌های مختلف مصرف می‌کنند و تخیل شان نسبت به مصرف این یا آن کالا متفاوت است. با این حال، تغییر در توزیع درآمد مسئله‌ای نسبی نیست که این یا آن کالا را تغییر می‌دهد.

muşturان یک تأیید نوتولوکوماسیک در مقایسه با یک مسئله در انتظار تولید شده (تنظیم مسئله آلاتها) می‌شود. ولی چنین مفهومی در تأیید تنکوماسیک مشاهده نمی‌گردد. در تأیید تولید (Marginal disutility) به‌طور همیشه منجر به انجام می‌گردد (5).
پیش‌کلامیک سرمایه به‌صورت مقداری "داراد شده" فرض می‌شود. ظاهراً این سرمایه‌ی یک نهاده‌های همگن است که شامل ابزار تولید تولید‌کننده‌ی نمی‌گردد. زیرا بخش مولده و خود ندارد که آنها را تولید کنند. تقریباً در تمام مقالات و کتاب‌های که اقتصاددانان نینوکلامیک‌ی اقتصاد خرد و کلان و موضوعات مربوط به رشته تحریر درآورد‌اند این طور می‌خواهیم که در هر اقتصادی یک مقدار کار "داراد شده" یک مقدار سرمایه همگن "داراد شده" و یک بخش مولده برای تولید هر یک از کالاهای صرفه وجود دارد. ولی به بخش مولده که سرمایه به‌عنوان مثال، مالیات، ربات‌ها یا تولید می‌کند هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. زیرا اقتصاددانان نینوکلامیک سرمایه را طوری در نظر می‌گیرند که گویا یک نهاده‌ای می‌باشد.

در مقاله ۱۵۲، جون راینسون در یکی از مقالات خود این نکته را مورد توجه قرار داد که اگر در یک اقتصاد بزرگ تولید یک چند کالا مورد نظر بیش از یک تکنیک تولید وجود داشته باشد تغییرات در نرخ‌های بهره ممکن است موجب یک "انحراف حکم" (Perverse movement) (Sraffa تحت شوری (۱۹۲۳)، پس از انتشار کتاب سرافا (۱۹۴۸).) و متعاقب آن انتشار یک سری مقالات پیامون بطور سرمایه‌ای، به تعطیل در این باره به‌شدت افزایش پیدا کرد (۱۲). از جمله نتایج حاصل از مباحث تئوری سرمایه‌ای این است که در شرایطی که سرمایه‌های همگن است و بزرگ تولید کالا یا کالاهای مدرن نظر به داشتن یک تکنیک تولید وجود دارد، ما با یک تکنیک "هورست‌کنیک" روبرو می‌شویم.
با توجه به این نکته، چه رابطه‌ای می‌توان بین این سرمایه‌های پولی و عملکرد مولود کالاهای سرمایه‌ای پیدا کرد؟ (۱۵)
مجموع پول در نظر گرفتن ضروری است که سرمایه فزاینده موجود در اقتصاد با کمک واحد یا مایوری به ارزش تبدیل گردد و آن ارزش محصول از خودش سرمایه‌‌ای باشد که به صورت پرور زا در داده‌شده فرض می‌شود اما در نظر گرفتن سرمایه به‌مثابه یک مجموع ارزش مولکول شده باشد. در نتیجه، مشکل پیانو اداه‌کرده که کشور A کالای سرمایه‌بر و کشور B کالای کاری صادر می‌کند. به‌طور خلاصه، در نظر گرفتن سرمایه به‌مثابه ابزار تولید توپ و سرلیش شده ایجاد می‌کند که در تحلیل‌های نرخ توربی و توان تولید وجود یک بخش نادیده اضافه شود که کالاهای سرمایه‌ای و سرمایه‌های مورد نیاز برای تولید کالاهای به‌پایه تولید می‌کند. البته، این چیز است که در تحلیل‌های نرخ توربی و توان تولید به‌نظر می‌رود. از طرف دیگر، در نظر گرفتن سرمایه به‌مثابه یک مجموع ارزش (بول) ایجاد می‌کند که واحد با سرمایه‌ی برای تخیل ارزش سرمایه‌ی بدایی که مستقل از تقسیم‌های نسبی و توزیع درآمده (تولید) بین دریافت کنندگان سود و دریافت کننده دستمزد باشد. ولی همان‌طور که قبلاً اشاره شد، غیر ممکن است که پیمان یک حجم فیزیکی سرمایه‌ی تصور کرده که ارزش آن مستقل از توربی سود (پره) و دستمزد باشد (18). مشکل پیچیده‌تر می‌گردد وقتی در تحلیل تاپ تولید سرمایه به‌مثابه یک عامل تولید «داده شده» هرجماعه هم

براساس این دو فرض، نظریه جاری تتجاوز بین الملل تولید تولید که کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن از عوامل تولید نسبت فراوانش موجود در آن کشور به‌شمار استفاده می‌شود (17). بنابراین، ارزش سرمایه موجود در کشور مورد نظر متغیر از انتخاب واحده است که برای تخیل ارزش آن سرمایه به‌کار برده می‌شود. به‌علاوه هیچ
که نشان می‌دهد شیب منحنی تولید یکسان‌(F)که محصول نهایی کار به محصول نهایی سرمایه (K) مساوی است با نسبت محصول نهایی کار به محصول نهایی سرمایه. قابل ذکر است که سرمایه‌ای که در سال ۱ به کار برده شده است، سرمایه‌ای فیزیکی است، در واقع، به همان دلیل است که می‌توان گفت که افزایش (کاهش) در حجم سرمایه بی‌ماتریکس در تولید X وجود کاهش (افزایش) محصول نهایی سرمایه می‌شود دیگر عوامل ثابت در اینجا، احتمالاً یک شرایط، که چکاوک بین سوال را مطرح می‌کند که سرمایه (یعنی گونه مشابه ماتریکس) مورد استفاده یک گونه است. کمک از بخش‌های مولکولی اقتصاد تولید شده است؟

مکتبر نوکلئوسیمیک به این سوال پاسخی نمی‌دهد. زیرا در تحلیل تغییر تولید نوکلئوسیم به بخش مولکولی که کالری‌های سرمایه‌ای بی­‌ماتریکس برای تولید كه از تولید نوکلئوسیم به بخش مولکولی یک نهایی تغییر در تولید نوکلئوسیمیک سرمایه به عنوان یک نهایی تغییر در تولید X نظر گرفته می‌شود که حرارت با کار (داده شده) فرض می‌شود. ولی توجه به اینکه شرایطی است که کار تولید شرایط یکنواخت، فرض می‌شود. در اقتصاد بخش مولکولی برای تولید کار در نظر گرفته شود، اما صرفاً برخی از نتایج در مورد سرمایه اعمال کرده زیرا سرمایه به عنوان یک مالی تولید در بخشی از اقتصاد تولید می‌شود. با این‌حال، اینکه سرمایه داده شده فرض شود عملی آughty یا تغییر عامل آدنی گرفت بخش مولکولی از اقتصاد است که

کالری‌های سرمایه‌ای تولید می‌کند.

III

مقدمه تاکید تولید نوکلئوسیمیک این طور بیان می‌شود که تولید یک گونه در یک صنعت به‌عنوان مثال صنعت تولید تانابی از سرمایه و کار است که آن‌ها می‌توان به‌صورت ساده (۱)

نوشت:

\[ X = f(K, L) \]

\[ X = K \]

\[ X = L \]

مقدار کالری مورد نظر از تولید X فرض می‌شود که مشتق‌های اول و دوم این تابع بر حسب X از این دو خالی‌می‌شود. برخی از مقدار X است. با تابع نگهدارنده مقدار X و استفاده از ترکیبات مختلف از سرمایه و کار مشتق‌های از تابع دو آزمایش که به آن متناسب تولید یکسان (iso - quant curve) گفته می‌شود. برای به دست آوردن شیب این متریکی کافی است که طرف چپ معادله (۱)، یعنی X، را ثابت در نظر گیریم و از طرف راست آن بخشن سرمایه و کار مشتق‌های X به‌گیرم:

\[ dx = \frac{F_k dk}{f_k} \]

\[ \frac{dk}{dl} = \frac{f_i}{f_k} \]
اقتصاد و مدیریت

قیمت‌های کار به سرمایه به‌طوری است. برای نشان دادن این رابطه، کافی است که از معادله (۲) به‌عنوان یک مشتق گیری و سپس با استفاده از مشتق طرف‌راست معادله (۱)، معادله (۳) و (۴) را به صورت آورده‌ایم:

\[ dx = P(F_k dk + F_l dl) \cdot (W dl + r dk) \]
\[ dx = (P_{f_k-W} dl) + (P_{f_l-r} r dk) \]

معادله (۵) نشان می‌دهد که اگر \( P_{f_k-W} = 0 \) و \( P_{f_l-r} = 0 \) بنگاه حداکثر سود را راکسب کرده است. به‌علاوه با استفاده از این دو رابطه، می‌توانیم شیفت منحنی تولید یکسان را بر اساس نسبت‌های قیمت‌های عوامل تولید (کار و سرمایه) بدست آوریم که:

\[ \frac{f_k}{f_l} = \frac{W}{r} = \frac{-dk}{dl} \]

شایان توجه است که باید انتخاب کنیم و ارزش سرمایه‌ای توزیع‌شده با تغییر واحد تخمین‌آزمایی سرمایه‌ای تغییر می‌کند و این تغییر لزوماً موجب تغییر در حجم سرمایه‌ای مورد استفاده بنگاه می‌شود.

در معادلات (۶) و (۷)، نرخ بازگشت روی سرمایه به‌طوری است که اگر کشیده در هر واحد از زمان در فاصله تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد. نرخ دستمزد است که در مقابل استفاده از زمان کار در هر واحد از زمان به کارگر پرداخت می‌شود. در اینجا، نرخ به‌ین نگه ضروری است که دستمزد (W) به کارگر به‌عنوان یک عامل تولید پرداخت می‌شود. در حالی که سود یا بهره (r) به صاحبان سرمایه‌ای، به‌ین مناسبی و به‌عنوان عامل تولید، پرداخت می‌گردد. این وجوه هندز اصلی بنگاه‌ها از فعالیت‌های تولیدی کسب سود است. در شرایط رقابتی، سود بنگاه‌ها می‌توان توسط معادله (۳) نشان داد.

\[ \pi = PX - (Wl + r) \]

\[ P = X \]

مقدار سود بنگاه

\[ W = \frac{\text{نرخ بازگشت روی سرمایه}}{\text{نرخ دستمزد}} \]

شایان توجه است که در معادله (۴) سرمایهٔ (K) به‌صورت یک مجموع ارزش‌کردن در نظر گرفته شده است. اگر جای هریزه مرتبه‌بیه سرمایه مورد استفاده بتواند کالایی مورد نظر (X) به‌دست می‌آید در حالتی که سرمایه‌ای (K) مورد استفاده در معادلات (۱) و (۲) به‌صورت مشخصه‌ای است و چگونه می‌توان ارزش یک حجم فیزیکی سرمایه‌ای را مشخص کرد؟ برای اینکه بتوان این محاسبه را انجام داد، یا به‌ین‌واحد با مبادلاتی به‌ین انتظار، گی‌گیر سرمایه باشته باشم که مستقل از حجم سرمایه‌ای باشد. ولی می‌دانیم که آن‌ها به‌ین‌واحد (در واقع) همان نرخ بهره (r) یا نرخ بازگشت روی سرمایه) به حجم سرمایه‌ای بستگی دارد و حجم سرمایه، بدون خود، تأثیر از نرخ بازگشت روی سرمایه‌ای است. بنابراین اصولاً امکان تصویر یک حجم فیزیکی سرمایه وجود ندارد، که ارزش آن مستقل از نرخ بهره (سود) باشد.

با این حال، چنین استقلالی برای تحلیل تک‌ والاستسپری، پرداخت تولید و رسم منحنی تولید یکسان ضروری است.

می‌دانیم که باید منحنی تولید یکسان با ضبیت
پیروی از ارزیابی موفقیت‌های مبنا تحت‌البنیه فراوانی پیروان توزیع ویژه (پرود) و بین‌فرهنگی کنگان دستمزد و دریافت کنگان سود و توزیع به‌صورت مبنا در ساختر اقتصادی - سیاسی این یا آن کشور شده است. به علاوه، این سوال مجدداً مطرح می‌شود که چه کسی از اینها یا آنها که برعکس آنها که مکتب نوکلایسکی تصمیم می‌گیرد، ما نمی‌توانیم بپردازد یکسانی نسیم به W و 0 داشته باشیم.

در هر اقتصادی - البته به استثنای دوران پرود - بین‌فرهنگی کانگان را یا خریداری نمی‌کنید. آنها خدمات کار را به نرخ مستمری که بابت استفاده از هر واحد کار در هر واحد از زمان به کارگر پرداخت می‌شود اجرا می‌کنند. در مقیاس، بین‌فرهنگی کانگاهای سرمایه‌ای را در یک دوره از زمان خریداری می‌نماید و می‌سپی در طول زمان در فراوانی تولید کالاهای استفاده قرار می‌دهند. با این حال، یک واحد با معیار مشخص و مستقیم برای قیمت‌پیک ساخت خدمت یک ماشین با پتولیمی عامل تولید یکپیک داده شده وجود ندارد. اگر افراد یا بین‌فرهنگ‌هایی وجود می‌داشتنک کنن مجموعه اکالاها سرمایه‌ای متعلق به خود را برای استفاده در فراوانی تولید انواع و اقسام کالاهای اجاره می‌دهند، و اگر افراد یا بین‌فرهنگ‌ها کالاها سرمایه‌ای متعلق به خود را در فراوانی تولید به کار نمی‌برند و تنها از کالاهای سرمایه‌ای اجاره‌ای استفاده می‌کنند، در انتظار می‌توانستیم واحد یا می‌توانستیم برای اندیشه‌گری خدمت سرمایه‌ای...

IV

خلاصه و بررسی گیری

دکترین کلاسیکی براین نکته تأکید می‌دارد که تئوری ارزش‌کار و فهم استثمار انسان از ابتدا است. شرایط تولید سیمپلیسیتی در گذشته وی ایجاد کننده نهایی که شرایط منابع تغییر داده است و شرایط تولید هر ایجاد کننده برای امکانات تولید، منحنی‌های تولید یکسان و توزیع در آمد (پرود) بین عوامل تولید با هم‌بین‌اند به روش میدانی تحلیل می‌کند.
مصرف کانالگان بیشترین رضایت را کسب نمی‌کند.

در تابع تولید نت‌کلاسیک، سرمایه (ک) و کار (ی) به منظور توضیح نیروهای تبیین کننده سطح تولید و توزیع درآمد بین دوی‌گان کانالگان سود و دریافت‌گان دستمزد به کار می‌رود.

مفهوم سرمایه‌های در مقایسه با کار، این است که این شاخص ابزار تولید تولید شده نظیر ماشین آلات می‌شود. ولی چنین مفهومی در تابع تولید نت‌کلاسیک مشاهده نمی‌گردد. زیرا در تحلیل یافتن مکتب پیرامون تابع، تولید معمولاً اینطور فرض می‌شود که در اقتصاد یک مقدار کار داده شده و یک مقدار سرمایه به کار داده شد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و مصرفی وجود دارد. اما به دلی و محدودی که و M


7. أ.آغر نافر، ونقد نظرية توزيع دار آدم توكاسك، اقتصاد ومديرة، شماره 569، 1979.


16- B. ohlin, "Interregional and International Trade," Harvard Economic Studies, Vol. 36,


